

ذره بین

قاتل فراری در شمال کشور دستگیر شد

پایان قدرت‌نمایی مرد شمشیر به دست در منطقه پلائین



شهروند| قدرت‌نمایی پسر جوان در منطقه پلائین جنایت هولناکی را رقم زد. عامل اصلی این جنایت با گردآوری ۳ تن از دوستانش وارد یک درگیری خونین شده بود که در عملیات پلیس پایتخت‌دستگیر شد.

شامگاه ۲۲ خردادماه یک نزاع و درگیری دسته‌جمعی در منطقه پلائین در محدوده مرتضی‌گرد به کلاتری ۱۷۱ مصطفی خمینی اعلام شد.

با حضور مأموران و تیم اورژانس در محل، جوانی ۲۷ساله به نام «مصیب» به علت خونریزی شدید از ناحیه ران پای راست، به بیمارستان منتقل و هم‌زمان تحقیقات اولیه در خصوص علت وقوع درگیری توسط مأموران کلاتری آغاز شد.

تحقیقات نشان می‌داد که چهار جوان از اهالی منطقه مرتضی‌گرد اقدام به قدرت‌نمایی باسلاح سرد در محل کرده و مصدوم صحنه درگیری در حالی که قصد آرا به کردن آنها را داشته توسط یک نفر از آنها مورد اصابت ضربه شمشیر قرار گرفته است. دو نفر از عوامل درگیری به نام‌های سهیل متولد ۱۳۷۲ و مهدی متولد ۱۳۷۰ شناسایی شدند و مأموران آنها را در محل سکونتشان واقع در منطقه مرتضی‌گرد –خیابان پیروزی دستگیر کردند.

در حالی که متهمان دستگیر شده بودند، از طریق بیمارستان به کلاتری ۱۷۱ مصطفی خمینی اعلام شد که با وجود انجام اقدامات درمانی و به علت شدت ضربه وارده شده به ناحیه حساس، مصیب ۲۷ساله جان باخته‌است.

با انتقال «سهیل» و «مهدی» به اداره دهم پلیس آگاهی آنها به مشارکت در «قدرت‌نمایی در منطقه پلائین» و «نزاع و درگیری منجر به قتل» اعتراف کرده و گفتند: «ما دو نفر همراه یکی دیگر از دوستان خود به نام حسین متولد ۱۳۷۱، به تحریک یکی از بچه محل‌ها به نام «اصغر» اقدام به قدرت‌نمایی در منطقه پلائین کردیم اما درگیری با مقتول توسط خود «اصغر» صورت گرفت. اصغر با شمشیری که در دست داشت، ضربه‌ای به پای مقتول زد و پس از آن هر ۴ نفر از محل فرار کردیم.»

این دو متهم در اظهارات تکمیلی عنوان داشتند: «اصغر به سراغ ما آمد و ادعا کرد که ظهر ۲۲ خردادماه با چند نفر از بچه‌های پلائین درگیر شده و توسط آنها مورد ضرب‌وجرح قرار گرفته است؛ به انگیزه انتقام‌گیری از بچه‌های منطقه پلائین، با موتورسیکلت هوندا ۱۲۵ مهدی، درحالی‌که یک شمشیر و دو عدد چوب‌دستی همراه خود برداشته بودیم، به پلائین رفتیم؛ اصغر مشروب خورده بود و با همان وضع شروع به قدرت‌نمایی و عریده‌کشی با شمشیر کرد. مقتول که به همراه اعضای خانواده‌اش در مقابل در خانه‌شان ایستاده بود، به اصغر نزدیک شد و از وی خواستند تا مراعات اهالی محل را بکند که ناگهان اصغر به سمت او حمله‌ور شد و با شمشیر ضربه‌ای به پای راست او زد؛ در ادامه، اصغر شیشه یک خودرو سواری عبوری را نیز تخریب کرد و پس از آن هر ۴ نفر سوار موتور شده و از محل متواری شدیم.» «حسین» نیز دستگیر شد و اظهارات «سهیل» و «مهدی» را تأیید کرد.

کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی تهران بزرگ اطلاع پیدا کردند که متهم اصلی پرونده (اصغر) به شمال کشور متواری شده که با انجام اقدامات پلیسی و پس از مراجعه مجدد اصغر به محل سکونتش، وی در مورخه ششم تیرماه دستگیر و به اداره دهم پلیس آگاهی تهران بزرگ منتقل شد.

اصغر در اظهارات اولیه منکر هرگونه ارتکاب جنایت شد اما در ادامه لب به اعتراف کشود و به کارآگاهان گفت: «با چند نفر از بچه‌های منطقه پلائین به خاطر چشم‌تو چشم شدن درگیر و توسط آنها مورد ضرب و جرح قرار گرفتم؛ به همین علت با دوستان خود تماس گرفته و موضوع را با آنها در میان گذاشتم و به اتفاق یکدیگر، پس از تهیه شمشیر و چوب‌دستی از خانه یکی از آنها، با موتورسیکلت به محل درگیری رفتیم. زمانی که به محل رسیدیم، هیچ کدام از کسانی که مرا مورد ضرب‌وجرح قرار داده بودند را پیدا نکردیم؛ به همین علت، من شروع به قدرت‌نمایی کردم تا شاید آنها خودشان را نشان بدهند و یا حداقل موضوع به گوش آنها برسد. در همین زمان مقتول به من نزدیک شد و از من درخواست کرد تا دستم از فحاشی و ناسزاگویی برارم که با او درگیر شده و ضربه‌ای با شمشیر به پایش زدم.»

با توجه به اعتراف هر چهار متهم به مشارکت در قدرت‌نمایی با سلاح سرد و اعتراف به جنایت، متهمان با قرار بازداشت موقت جهت انجام تحقیقات تکمیلی در اختیار اداره دهم پلیس آگاهی تهران بزرگ قرار گرفتند.

گفت‌و گوی «شهروند» با قربانیان مسافر کش‌های متجاوز در دادسرای جنایی پایتخت

۱۴ قربانی در فهرست سیاه «گرگ‌های خاکستری»



بهناز مقدسی| تعداد شاک‌های پرونده «گرگ‌های خاکستری» به ۱۴ نفر رسید. با مراجعه ۱۲ زن و دختر دیگر تحقیقات برای شناسایی قربانیان این پرونده در اداره آگاهی درحالی‌ادامه دارد که ۳ قربانی صبح‌روز شنبه در دادسرای جنایی تهران برده‌از روز سیاهی برداشتند که طعمه‌مران شیشه‌های شده‌بودند.

۲ بچه محل با یک پراید شیشه دودی در خیابان‌های خاص پایتخت پرسی می‌زدند تا نقشه هولناکشان را به اجرا بگذارند. مردان تپهکار، دختران و زنان را به بهانه مسافر کشی سوار خودروشان می‌کردند و در یک فرصت مناسب دست به آزار و اذیت طعمه‌هایشان می‌زدند. این پرونده هولناک از ششم فروردین‌ماه و با شکایت دختر ۲۲ساله که در میدان هفتم تیر طعمه آنها شده بود روی میز کار آگاهان قرار گرفت، اما خیلی زود ابعاد گسترده‌تری پیدا کرد. ۱۲ فروردین‌ماه نیز یک قربانی دیگر برده از این سناریوی سیاه برداشت. تحقیقات پلیسی ادامه داشت تا این‌که مأموران پلیس خود را در مقابل پرونده‌ای سریالی دیدند. تحقیقات نشان می‌داد متهمان بدون ترس و با برنامه‌ریزی طعمه‌هایشان را شکار می‌کنند. تا این‌که با چهره‌نگاری، یکی از متهمان که در زمینه مواد مخدر سابقه زیادی داشت، ۲ پسر شیشه‌های شناسایی شدند. همین موضوع کافی بود تا پس از چند عملیات گسترده تیم پلیسی راز جنایت‌های متهمان که با خودروی پراید خاکستری رنگ زنان و دختران را به قصد آزار و اذیت می‌ربودند، برملا شود.

این ۲ متهم که خیلی زود و در همان نخستین جلسه بازجویی به شکار ۸ طعمه و آزار و اذیت آنها در داخل خودروشان اعتراف کردند حال در برابر پرونده سنگین‌تری قرار گرفتند. ۹ شاک‌ی در اداره آگاهی به طرح شکایت پرداختند و ۳ شاک‌ی دیگر در دادسرای جنایی شناسایی شدند. تعداد شاک‌های پرونده این ۲ مسافر پر نما در حالی به ۱۴ نفر رسید که با توجه به دستگیری زوایای این پرونده، افزایش تعداد شاک‌های پیش‌بینی می‌شود.

دختران قربانی در دادسرای جنایی

شیشه‌های دودی رنگ پرایدی که سر نشینشان راز هولناکی را در آن پنهان کرده بودند، تمام خشم‌شان را در گلو پنهان کرده‌اند. هنوز دست‌نشان، صدایشان می‌لرزد از یادآوری آن روز سیاه. می‌ترسند از شیشه‌های دودی از همه پرایدهای خاکستری.

۲ دختر که زخم‌های عمیق و تحقیرآمیز نشان آنها را فرسنگ‌ها از هم‌نسلان‌شان جدا کرد تا هیچ‌وقت نتوانند مثل سابق به روزهای گذشته بازگردند. ۲۲، ۲۳ و ۲۴ساله باسرگذشت‌ها و دنیا‌هایی متفاوت عجیب‌باهم هم‌درند. هم‌درسی‌شان بار سنگین روایت ماجرا را سبک‌تر می‌کند یا این‌حال می‌گویند «در دهم‌شان شاید کم‌رنگ شود اما هرگز از بین نخواهد رفت». نمی‌خواهند نامشان فاش شود. حق هم دارند. «بعد از این حادثه نامزد مرا ترک کرد حالا اگر فامیل و دوستان هم نامم را در لیست قربانیان ببینند لابد رفتارشان با من برمی‌گردد» اینها را دختری می‌گوید که یکم تیرماه قربانی «گرگ‌های خاکستری» شد و بعد از آن هر روز زخم‌های بی‌همش را در کنار سرزش‌های نامزدش تاب آورد و دست آخر هم نامزدی‌اش به‌هم خورد تا با بار سنگین غم‌هایش تنها بماند. تصویر ۳ قربانی تازه شناسایی شده این پرونده تصویر عجیبی است. ۲ دختر قوی دور از مختصات زنانه‌شان دربارهِ پرونده‌شان مصمم و قوی صحبت می‌کنند از آنها در خواست گفت‌وگو می‌کنم. می‌خواهم بدانم، این‌که چه کردند، و بعد از این چه خواهند کرد؟! می‌گویند، شمرده و تلخ از آنچه بر سرشان آمد تا روزهای بعد و آینده نامعلوم‌شان. در لابه‌لای مرور خاطرات صحنه‌هایی هست که تک‌تک‌شان دیدند لحظاتی که آرزوی مرگ کردند و بعد از آن روزی هزار بار مردند و زنده شدند.

وحشت در زندگی ام‌رخنه کرده

۳۲ساله است. قربانی دیگر ۲ متهم پرونده. از آن روز سیاه روزهایش را می‌شمارد، تا قبل از خبر دستگیری همه پرایدهای خاکستری را رصد می‌کرد تا شاید روی ۲ از ۲ پسر متجاوز پیدا کند. بارها به اتوبان آزادگان رفت؛ همان جایی که بعد از تجاوز رهایش کرده بودند. با این‌که می‌گوید ما دیگر آدم‌های عادی نمی‌شویم اما امیدوار است. خیالش راحت‌تر شده. حالا دیگر ورق برگشته است، ۲ پسر شیشه‌ای که یک روز روز بزرگترین کاپوس زندگی‌اش را رقم زدند حالا در چنگال قانونند.

از روزی که قربانی‌ای شدی بگو…

قبل از میدان پونک سوار شدم. هنوز ۵ ثانیه از سوار شدنم گذشته بود که ناگهان سر نشین کنار گرفته خودش را به عقب خود و انداخت. شروع به ضرب و شتم کرد و من با دستم به شیشه پنجره مشت می‌کوبیدم. به دوستم می‌گفت چکش را بده چکش را بده تا بزنش. یک لحظه سرم را بالا بردم. اطراف خیابان مأموران راه‌نمایی را ندیدم اما شیشه‌های خودرو آن قدر دودی و تیره رنگ بود که من را نمی‌دیدند. بعد به سمت اتوبان رفتم و فرهاد در داخل خودرو من را مورد آزار و اذیت قرار داد.

کجا پیاده‌ات کردند؟

یک منطقه‌ای بوده به اسم «صفاء» در اتوبان آزادگان نزدیک پل ساوه.

چه کار کردی؟

با دوستم تماس گرفتم و همان شب با پزشکی قانونی نامه گرفتیم و برای شکایت به پلیس آگاهی‌رفتم.

بعد از این حادثه روز‌هایت را چگونه می‌گذرانی؟

از لحاظ روحی زیاد تلطمه دیدم. پیش‌مشاور رفتم.

خانواده‌ات می‌دانند؟

نه به کسی نگفتم. خجالت می‌کشیدم اما از طرفی نگرانم یک‌بار دیگر در یک خیابان دیگر دختران و زنان دیگری قربانی این‌گونه جنایت‌های مشابه شوند. به همین خاطر هر جایی که می‌روم این ماجرا را از زبان یکی از دوستانم تعریف می‌کنم تا دختران جوان بیشتر مراقب خودشان باشند.

قربانی دیگر زنی ۳۴ ساله و مادر یک دختر ۱۵ و ۱۲ساله است. می‌گوید خدا را شکر که دخترانم، به‌جای من قربانی این جنایت‌کاران نشدند. او هم مثل همه قربانیان در مسیر سوار شدن به تاکسی قربانی شد و حالا به‌عنوان یک مادر قوی، مصمم است تا با پیگیری شکایتش از همه زنان و دخترانی که از ترس آبرویشان سکوت کرده‌اند، حمایت کند. پرونده سیاه این متهمان هر روز ابعاد تازه‌تری پیدا می‌کند. شاکیان‌شان در حال افزایش‌اند و هنوز خبری از سرنواشت قربانیانی که احتمال دارد در گوشه و کنار شهر سکوت کرده باشند، وجود ندارد.

در دادگاه کیفری

این مرد در بازجویی‌ها به مأموران گفت: چند سال پیش از طریق یکی از دوستانم به نام فرمان با همسرم آشنا شدم. ولی ماه‌ها بود متوجه شده بودم همسرم با کسی رابطه دارد. بعد از این‌که تلفن همراهش را بررسی کردم، شماره فرمان را در گوشی تلفن همسرم پیدا کردم و فهمیدم با هم از تباط دارند. دیگر نمی‌توانستم خیانت‌هایش را تحمل کنم و تصمیم گرفتم همسرم را بکشم. اول با مینا صحبت کردم و گفتم دوستش دارم و این کارها را نکند تا بتوانیم به زندگی مشترک‌مان ادامه دهیم اما او به‌جای این‌که شرم‌منده شود، رفتارش را بدتر کرد. برای همین او را خفه کردم و جسدش را داخل چمدان گذاشتم و در خیابان فیروزگر دفن کردم.

با اعتراف این مرد، وی صحنه قتل را بازسازی کرد و در نهایت مجرم شناخته شد و پرونده‌اش را شعبه دوم دادگاه کیفری استان تهران فرستاده شد. صبح دیروز مرد عراقی رویه‌روی هیأت قضایی دادگاه قرار گرفت. در این جلسه، خانواده اولیای مد در خواست قصاص کردند سپس متهم در جایگاه قرار گرفت و بار دیگر قتل را گردن گرفت. وی به قضات گفت: همسر همیشه برای مراقبت از بیماران سه‌خاله‌های مردم می‌رفت. معمولاً شب‌ها به‌خانه می‌آمد اما مدتی بود که آخرین‌بفته‌ها به خانه بر نمی‌گشت و وقتی می‌رسیدم در کجاست می‌گفت سسر کار هستم. برای همین او را

کاراگاه

عاملان جنایت هنوز شناسایی نشده‌اند

حمله مرگ‌بار گانگسترهای مالزی به یک مرد ایرانی

یک مرد ایرانی در حمله گانگسترهای خیابان «کبون بونگا» شهر پینانگ در شمال شرق مالزی به‌قتل رسید.

«سدالله نباتی کار» ۵۲ساله شهروند ایرانی‌روز چهارشنبه به‌دنبال حمله گانگسترهای مالزی به وی از ناحیه سر و سینه مجروح و در بیمارستان پینانگ بستری شد. پلیس مالزی روز شنبه اعلام کرد که این ایرانی بر اثر جراحات وارده در بیمارستان درگذشت. رهگذران این شهروند ایرانی را درحالی‌که به شدت مصدوم شده بود در باغ گیاه‌شناسی یافته‌و با آمبولانس به بیمارستان منتقل کردند. پلیس براساس اسناد یافت شده اعلام کرد این شهروند ایرانی برای چند سال در مالزی زندگی و کار کرده‌است.

به‌اعتقاد پلیس، این شهروند ایرانی کتک‌خورده و مورد سرقت قرار گرفته است. پلیس تلاش دارد از طریق دوربین‌های مداربسته به سرخ‌هایی از این جنایت دست یابد و از افرادی که اطلاعاتی دارند درخواست بازبینی‌ترین ایستگاه پلیس تماس بگیرند. ایرانیان به‌عنوان دومین گروه پرجمعیت گردشگران مالزی از غرب آسیا در سال ۲۰۱۴ شناخته شدند و با ۲۲هزار و ۲۶۴ گردشگر حدود ۱۵۹ میلیون و ۴۷۶هزار و ۲۲۴ دلار درآمد برای دولت مالزی ایجاد کردند. مالزی به‌رغم کشوری گردشگرپذیر که سالانه پذیرای ۲۵میلیون گردشگر خارجی است از امنیت کافی برخوردار نیست و در بیشتر روزها می‌توان شاهد خبرهایی از ایجاد مزاحمت برای گردشگران در رسانه‌ها بود. سرقت پول و گذرنامه از بدو رویداده فرودگاه، حمله جوانان در بخش‌هایی از مالزی به زنان گردشگر، آدم‌ربایی‌ها در ایالت صباح و انتقال آنها به جنوب فیلیپین برای باج‌گیری تا قتل گردشگران از وقایعی است که هر سال برخی گردشگران خارجی در مالزی شاهدان هستند.

آژی‌ر

فداکاری کارگر جوان در آتش‌سوزی پتروشیمی مارون

در حادثه آتش‌سوزی در پتروشیمی مارون، یک کارگر با از خودگذشتگی جان صدها نفر را نجات داد. یک کارگر ایده‌ای به نام «شهرام محمدی»، در پی آتش‌سوزی در یکی از واحدهای این شرکت خود را به دل آتش زد تا دیگران از گزند آسیب مصون بمانند.

این شیرمرد بختیاری از دیار کول‌فرح ایذه خود را به درون آتش انداخت و با بیرون کردن تمام کارگران حاضر و بستن شیر فلکه اصلی، مانع از فاجعه‌ای دردناک و کشته شدن صدها و شاید هزاران نفر از کارکنان این پتروشیمی شد، مردی که اکنون با بیش از ۵۰درصد سوختگی برای درمان به پایتخت اعزام شده است.

آتش‌سوزی در پتروشیمی مارون

به دلیل نشت گاز

غلامرضا کشکولی در گفت‌وگو با خبرنگار فارس در ماهشهر اظهار کرد: روز سه‌شنبه نهم تیرماه مقارن ساعت ۱۵:۴۵ در حین رفع گرفتگی یکی از خطوط مسدود شده واحد HD پتروشیمی مارون، حادثه آتش‌سوزی به وقوع پیوست. در این حادثه که به دلیل نشت گاز اتساق افتاد، بلافاصله گروه آتش‌نشانی آماده به کار در محل کار تعمیرات و همچنین تیم اعزامی از سازمان منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی وارد عمل شدند و این آتش‌سوزی مهار شد. دبیر ستاد مدیریت بحران سازمان منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی خاطرنشان کرد: در این سانحه «شهرام محمدی» از کارکنان بهره‌برداری دچار سوختگی شد که بلافاصله برای مداوا به اورژانس مجتمع و از آن‌جا به بیمارستان اعزام شد.

خوشبختانه این سانحه هیچ مصدوم دیگری نداشته و واحد مذکور نیز بدون کمترین وقفه در چرخه فعالیت قرار گرفته است.

خارج از مرز

در مخالفت با رفتن دخترها به مدرسه رخ داد

۲ دختر افغان قربانی اسیدپاشی

سهه دختر ۱۶ تا ۱۸ساله در مسیر مدرسه دخترانه شهر هرات بودند که مهاجمان سوار بر موتورسیکلت به‌صورت آنها اسیدپاشیدند.

سهه دختر ۱۶ تا ۱۸ساله در مسیر رفتن به یکی از بزرگترین مدارس دخترانه شهر هرات، قربانی حمله اسیدپاشی دومردموتورسوار شدند.

«جمال عیبدل ناصر آخوندزاده» رئیس بیمارستان نور گفت: هر سه دختر به بیمارستان نرسد در هرات برده شدند و پس از آن توسط اولیای خود به بیمارستان‌های مجزوتری منتقل شدند. وی افزود: حال دو نفر از دخترها وخیم است. آخوندزاده گفت: اسیدپاشی امروز کتنبیه دختران برای رفتن به مدرسه است. «عیبدل رونف احمدی» سخنگوی پلیس هرات گفت: نیروهای پلیس این شهر به شدت برای دستگیری افراد خاطی تلاش می‌کنند.